

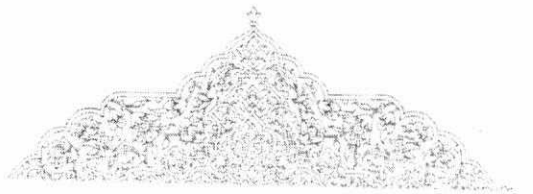
مہارت ہامی مبارزہ باہوامی
نفس در ترییت اخلاقی طلاب



دکتر ایوب رنجبری

(استاد یار و عضو هیئت علمی دانشکاه آزاد اسلامی)

سعیدہ احمد پور



سرشناسه	: رنجبری، ایوب
عنوان و نام پدیدآور	: مهارت های مبارزه با هوای نفس در تربیت اخلاقی طلاب / ایوب رنجبری، سعیده احمدپور
مشخصات نشر	: قم، مشعل هدایت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص
شابک	: ۱۴۰۰۰ ریال / ۲-۵-۹۶۱۳۲-۹۷۸-۶۲۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: طلاب - اخلاق
موضوع	: تربیت اخلاقی - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	: خودسازی - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	: اخلاق اسلامی
شناسه افزوده:	: احمدپور، سعیده
رده بندی کنگره	: ۹ م ۹ / ۲۵۴/۷ Bp
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۵۷۲۶۷

شناسنامه کتاب

نام کتاب: مهارت های مبارزه با هوای نفس در تربیت اخلاقی طلاب

مؤلف	: دکتر ایوب رنجبری (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو) - سعیده احمدپور
ناشر	: مشعل هدایت
صفحه آرا	: فاطمه رابط (خدمات کامپیوتری ماندگار)
نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۸
چاپ	: مبین
شمارگان	: ۱۰۰
قیمت	: ۱۴۰۰۰ تومان
شابک	: ۲-۵-۹۶۱۳۲-۹۷۸-۶۲۲

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

مرکز پخش: ۰۹۱۲۵۵۱۴۹۷۴



صلى الله عليه وسلم



تحمیدیه

خداوندا به ما توفیق تلاش در شکست، صبر در نومیدی، رفتن بی-
همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی-
دنیا، مذهب بی عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، ایمان بی ریا، خوبی
بی نمود، گستاخی بی خامی، مناعت بی غرور، عشق بی هوس، تنهایی در
انبوه جمعیت و دوست داشتن بی آنکه دوستت بدارند را عنایت فرما.

تقدیم به:

این کتاب را ضمن تشکر و سپاس بیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می‌نمائیم به:
محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزمان به خاطر همه‌ی تلاش‌های محبت‌آمیزی که در
دوران مختلف زندگی‌مان انجام داده‌اند و با مهربانی چگونه زیستن را به ما آموخته‌اند.
به استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت ما را یاری نمودند.
به آنان که در راه کسب دانش راهنمائیم بودند.

به آنان که نفس خیرشان و دعای روح‌پروشان بدرقه‌ی راهمان بود.
الها به ما کمک کن تا بتوانیم ادای دین کنیم و به خواسته‌ی آنان جامه‌ی عمل بپوشانیم.
پروردگارا حسن عاقبت، سلامت و سعادت را برای آنان مقدر نما.
خدایا توفیق خدمتی سرشار از شور و نشاط و همراه و همسو با علم و دانش و پژوهش
جهت رشد و شکوفایی ایران کهن سال عنایت بفرما.

تقدیر و تشکر

سپاسگزار کسانی هستیم که سر‌آغاز تولد ما هستند. از یکی زاده می‌شویم و از دیگری
جاودانه. استادی که سپیدی را بر تخته‌سیاه زندگی‌مان نگاشت و مادری که تار مویی از
او به پای ما سیاه نماند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۳
کلیات و مفاهیم.....	۱۴
تبیین مسأله.....	۱۴
۱. مهارت.....	۱۵
۲. مبارزه.....	۱۵
۳. نفس.....	۱۵
۴. تربیت.....	۱۶
۵. اخلاق.....	۱۶
۶. طلاب.....	۱۷
۷. تزکیه.....	۱۷
۸. خودشناسی.....	۱۷
۹. خودسازی.....	۱۸
۱۰. ویژگی‌های عالمان.....	۱۸
۱. علمای صالح و برخی ویژگی‌های ایشان.....	۱۸
۲. علمای فاسد و برخی از ویژگی‌های ایشان.....	۲۲
۳. ارزش عالم به عمل اوست.....	۲۷



- فصل اول: خودسازی و تهذیب نفس در تربیت اخلاقی طلاب ۳۱
- ۱-۱- اهمیت خودشناسی از دیدگاه آیات و روایات ۳۳
- ۱-۱-۱- اهمیت خودشناسی در آیات ۳۳
- ۱-۱-۲- اهمیت خودشناسی در روایات ۳۵
- ۱-۲- راه و روش‌های خودشناسی ۳۶
- ۱-۲-۱- مطالعه در آیات و روایات ۳۷
- ۱-۲-۲- مطالعه در کتب معرفت نفس ۳۷
- ۱-۲-۳- شناخت گذشتگان ۳۷
- ۱-۲-۴- تفکر ۳۸
- ۱-۳- موانع خودشناسی ۳۸
- ۱-۳-۱- سنت‌گرایی و گذشته‌نگری ۳۸
- ۱-۳-۲- شخصیت‌گرایی ۳۹
- ۱-۳-۳- هواهای نفسانی ۳۹
- ۱-۳-۴- خودبرتربینی ۴۰
- ۱-۴- آثار خودشناسی ۴۱
- ۱-۵- اهمیت و ضرورت خودسازی ۴۲
- ۱-۶- حقیقت نفس از نظر قرآن ۴۹
- ۱-۷- مقدمات لازم برای مبارزه با نفس ۵۲
- ۱-۷-۱- شناخت نسبت به دشمن و امکاناتش ۵۲
- ۱-۷-۲- آشنایی با سلاح و ابزار جنگ ۵۵
- ۱-۷-۳- آگاهی از موانع بر سر راه ۵۶
- ۱-۸- چگونگی خودسازی ۶۰
- ۱-۸-۱- مراحل خودسازی ۶۰
- ۱-۸-۲- عوامل تزکیه ۶۳
- ۱-۸-۳- روش‌های تزکیه ۶۸
- ۱-۹- آثار تزکیه ۶۹
- ۱-۱۰- ضرورت خودسازی و تهذیب اخلاق در طلاب ۷۲

۷۳	نتیجه‌گیری
۷۵	فصل دوم: نقش جهاد با نفس در تربیت اخلاقی طلاب
۷۷	۱-۲. جهاد با نفس از دیدگاه قرآن
۷۸	۲-۲. جهاد با نفس از دیدگاه روایات
۷۹	۳-۲. جهاد با نفس از دیدگاه بزرگان
۸۲	نتیجه‌گیری
۸۳	فصل سوم: مهارت‌های ویژه برای مبارزه با نفس در تربیت اخلاقی طلاب
۸۵	۱-۳. مهارت‌های بینشی طلاب در مبارزه با هوای نفس
۸۶	۱-۱-۳. عالم محضر خداست
۸۷	۲-۱-۳. اعتقاد به معاد
۸۷	۳-۱-۳. دقت و سخت‌گیری در حسابرسی قیامت
۸۸	۴-۱-۳. مسئولیت در برابر خدا
۸۹	۵-۱-۳. مسئولیت در برابر خود
۹۰	۶-۱-۳. مسئولیت در برابر دیگران
۹۰	۷-۱-۳. مسئولیت در برابر سایر موجودات
۹۰	۸-۱-۳. طلاب، سرباز امام زمان علیه السلام
۹۱	۲-۳. مهارت‌های گفتاری طلاب در مبارزه با هوای نفس
۹۲	۱-۲-۳. به نرمی سخن گفتن
۹۲	۲-۲-۳. محکم و مستدل سخن گفتن
۹۳	۳-۲-۳. به نیکی سخن گفتن
۹۳	۴-۲-۳. با صدای کوتاه و آرام سخن گفتن
۹۳	۵-۲-۳. پاک بودن محتوای سخن از امراض و بیماریهای اخلاقی
۹۴	۶-۲-۳. شایستگی سخن
۹۷	۳-۳. مهارت‌های رفتاری طلاب در مبارزه با هوای نفس



- ۹۷..... ۱-۳-۳ انگیزه الهی و نیت خالص
- ۹۸..... ۲-۳-۳ اتخاذ موضع (هدف داشتن)
- ۹۸..... ۳-۳-۳ ترک گناهان
- ۱۰۱..... ۴-۳-۳ انس با قرآن
- ۱۰۱..... ۵-۳-۳ انس با دعا
- ۱۰۲..... ۶-۳-۳ انس با شهدا
- ۱۰۲..... ۷-۳-۳ دائم‌الذکر بودن
- ۱۰۳..... ۸-۳-۳ تقوا
- ۱۰۴..... ۹-۳-۳ انجام همه‌ی واجبات
- ۱۰۴..... ۱۰-۳-۳ انجام مستحبات
- ۱۰۵..... ۱۱-۳-۳ خوف و رجا
- ۱۰۵..... ۱۲-۳-۳ ولایت مداری
- ۱۰۶..... ۱۳-۳-۳ احترام به والدین
- ۱۰۷..... ۱۴-۳-۳ ورزش، جسم سالم
- ۱۰۸..... ۱۵-۳-۳ توجه به آفات علم
- ۱۱۰..... ۱۶-۳-۳ برنامه‌ریزی
- ۱۱۲..... ۱۷-۳-۳ انتخاب
- ۱۱۳..... ۱۸-۳-۳ استاد اخلاق
- ۱۱۳..... ۱۹-۳-۳ همسر صالح
- ۱۱۴..... ۲۰-۳-۳ انتخاب دوست شایسته و صالح
- ۱۱۵..... ۲۱-۳-۳ معاشرت با بزرگان و صلحا
- ۱۱۶..... ۴-۳-۴ قدرت نه گفتن به برخی گناهان
- ۱۱۷..... ۱-۴-۳ ریا
- ۱۱۹..... ۲-۴-۳ سخن‌چینی
- ۱۲۰..... ۳-۴-۳ وسواس
- ۱۲۰..... ۴-۴-۳ سوءظن
- ۱۲۲..... ۵-۴-۳ غرور و تکبر

۱۲۴.....	۳-۴-۶. حسد
۱۲۷.....	۳-۴-۷. غیبت
۱۲۸.....	۳-۴-۸. تعصب
۱۳۰.....	۳-۴-۹. تنبلی
۱۳۱.....	۳-۵-۵. بازپروری در اعمال نیک
۱۳۱.....	۳-۵-۱. صبر
۱۳۲.....	۳-۵-۲. تواضع
۱۳۲.....	۳-۵-۳. قانع بودن
۱۳۳.....	۳-۵-۴. عزت نفس
۱۳۳.....	۳-۵-۵. ساده زیستی
۱۳۴.....	۳-۵-۶. حسن خلق
۱۳۴.....	۳-۵-۷. شاکر بودن
۱۳۵.....	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۳۵.....	نتیجه گیری کلی
۱۳۸.....	پیشنهادهات
۱۳۹.....	منابع و مآخذ

مقدمه

در میان اصناف اجتماعی، برخی از جایگاه معنوی خاصی برخوردارند و جامعه آن‌ها را به صورت متمایزی قابل تکریم می‌داند و نوعی دین نسبت به آن‌ها احساس می‌کند مانند پلیس، پزشکان، معلمان، قاضیان و روحانیان.

منشأ این ارج و حرمت، وجود جنبه‌های خاص انسانی در خدمت و عملکرد این اصناف است؛ اما در این میان روحانیت جایگاه والاتری دارد. جامعه، نجات و سعادت خود را در گرو پیروی از دین می‌داند و روحانیت تنها نهادی است که رسماً متکفل تبیین نحوه صحیح دین ورزی، نظارت بر شیوه دین‌داری مردم و ارائه الگوی عملی تدین است. از این رو، روحانی در جامعه از منزلت اجتماعی بی‌بدیلی برخوردار است. روحانی معتمدترین فردی است که افراد جامعه برای بازگویی درد و دل خود یا رازهای خانوادگی یا وصیت و امثال آن می‌شناسند. او را در کسوت و لباس پیامبر خود ﷺ می‌بینند و زندگی خود را حسب تشخیص و حکم علماء تنظیم می‌کنند و ایشان را وکلای ائمه هدی علیهم‌السلام می‌دانند؛ اما از سوی دیگر به موازات این احترام و اعتماد، به اندازه شاگرد درس آموخته مکتب امام صادق علیه‌السلام و یک سرباز واقعی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از روحانی متوقع هستند و نه تنها جلوه‌های عملکرد و رفتار او را در محراب یا منبر یا کرسی تدریس، بلکه تمام فعالیت‌ها و اساساً سبک زندگی وی را بدان می‌سنجند. از طرفی دیگر تهاجم افکار غلط و انحرافی و تأثیر آن بر افکار مردم به قدری زیاد است که جامعه امروز بیش از پیش نیازمند معارف اسلامی است و



روحانی مسئول دفاع از معارف دینی در مقابل این تهاجم فرهنگی و عقیدتی جبهه کفر است. در نتیجه طلاب برای ادامه دادن راه انبیاء و تأثیرگذاری در جامعه ابتدا باید به خودشناسی و خودسازی بپردازد، چراکه تهذیب نفس، هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه‌های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه‌های دینی بسیار نقش‌آفرین است و هم خود مصداق تحقق عینی دین، به شمار می‌رود.

کلیات و مفاهیم

تبیین مسأله

در شریعت مبین اسلام نسبت به خودسازی و تهذیب نفس سفارش شده است و در منابع اسلامی توصیه‌های گهرباری در مورد راه‌های مبارزه با هوای نفس ارائه شده که یکی از گام‌های نخستین آن، خودشناسی است. کسی که خود را بشناسد تحقیقاً پروردگارش را می‌شناسد و در این راستا، شوق تحصیل کمالات و تزکیه نفس را دارد. از آنجایی که نهاد روحانیت و طلاب هم پیشگام دعوت به اخلاق و معنویت و وارث بعثت است و قطعاً به واسطه حضور در میان مردم، جامعه نیز با همان اصول تربیت خواهد شد، لازم است بیش از هر صنف دیگری به تهذیب و شناخت مهارت‌های آن و عمل به احکام اخلاقی دین بپردازد. چراکه بالاترین دشمن انسان پیروی از هوای نفس و تمایلات و غرایز سرکش است.

۱. مهارت

واژه مهارت در لغت به معنای زیرکی و رسایی در کار و استادی و زبردستی است.^۱ و در اصطلاح یعنی توانایی به مجموعه‌ای از واکنش‌های ذهنی و عینی که شخص را برای انجام کاری نمایان در زمانی مشخص قادر می‌سازد.^۲

۲. مبارزه

واژه مبارزه در لغت به معنای از میان صف بیرون آمدن برای حرب، جنگیدن و کارزار می‌باشد.^۳ و در اصطلاح یعنی به کار بردن تمام توانایی برای دفع دشمن می‌باشد.^۴

۳. نفس

واژه نفس در لغت به معنای جان، روح و روان است.^۵ اما در اصطلاح، نفس جوهر روحانی است که به ذات خود زنده است و چون قرین و هم‌نشین جسمی از اجسام گشت آن را مانند خود می‌نماید؛ مانند صورت آتش که جوهری سوزان است که اگر آن را در کنار جسمی از اجسام قرار دهی، آن

۱. علی‌اکبر، دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۹۳۱۹

۲. نصرت‌الله، پور افکار، فرهنگ روانشناسی و روان‌پزشکی پور افکاری، چاپ هشتم، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۹۱، ص ۲۴۲

۳. علی‌اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۱۲، صص ۱۷۷۳۴ - ۱۷۷۳۳

۴. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹

۵. علی‌اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۱۳، ص ۲۰۰۰۸



جسم را هم مانند خود داغ می‌کند.^۱ نفس درواقع نوری از انوار معنوی الهی است که مشرق و تابش گاه آن، خداوند و مغرب و فرودگاه آن، این کالبد تاریک است.^۲

۴. تربیت

واژه تربیت در لغت به معنای پروردن می‌باشد.^۳ و معنای اصطلاحی آن عبارت است از ایجاد شیء به تدریج از حالتی به حالت دیگر تا به حد تمام برسد.^۴

۵. اخلاق

واژه اخلاق جمع خلق در لغت به معنای خوی، طبع، سرشت و نهاد است.^۵ و شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از: «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تردیدی از آدمی صادر شود».^۶

۱. محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، (مترجم: محمد جوادی)، چاپ ششم، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۹۳، ص ۸۵۳

۲. همان، ص ۸۵۲

۳. علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۱۴، صص ۵۷۷۷-۵۷۷۶

۴. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، همان کتاب، ص ۴۱

۵. علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۶، ص ۸۷۱۱

۶. ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب، رازی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، چاپ اول، تهران، نورالثقلین،

۱۳۸۳، ص ۵۱

۶. طلاب

این واژه جمع طلبه^۱ و به معنای بسیار جوینده است^۲ و در اصطلاح به معنای دانشجوی علوم دینی می‌باشد^۳. از آنجایی که طلبه خواستار آموختن علوم دینی است؛ به کسی که با وارد شدن به حوزه علمیه خواستار علوم آموختن دینی باشد، طلبه گفته می‌شود.

۷. تزکیه

واژه تزکیه در لغت به معنای پاک گردانیدن می‌باشد.^۴ و در اصطلاح علم اخلاق عبارت است از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانی است.^۵

۸. خودشناسی

شناخت انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی است را خودشناسی گویند.^۶

-
۱. غلام حسین، صدری افشار، نسرین، حکمی، نستر، حکمی، فرهنگنامه فارسی واژگان و اعلام، ج ۲، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵۹
 ۲. علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۹، ص ۱۳۶۶۲
 ۳. حسن، عمید، فرهنگ عمید، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۸۰۰
 ۴. علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۴، ص ۵۸۶۱
 ۵. احمد، نراقی، معراج السعاده، چاپ دهم، تهران، انتشارات دهقان، ۱۳۹۶، صص ۷۵-۷۸
 ۶. محمدتقی، مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴



۹. خودسازی

منظور از خودسازی و به‌طور کلی پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی و تصحیح انگیزه‌ها و در نظر گرفتن مقصد نهایی و سوگیری فعالیت‌ها برای خداوند است.^۱

۱۰. ویژگی‌های عالمان

امام عسکری علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل کردند که: «امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: عالم همچون کسی است که با خود شمع دارد و همه‌جا را برای مردم روشن می‌کند، پس هر که با شمع او جایی را ببیند در حق او دعای خیر می‌کند. عالم نیز با خود شمع دارد که تاریکی نادانی و سرگردانی را از میان می‌برد...»^۲.

عالمان دودسته‌اند:

۱. علمای صالح (عالمان با عمل)

۲. علمای فاسد (عالمان بی‌عمل)

۱. علمای صالح و برخی ویژگی‌های ایشان

علم به خدای متعال

«... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ»^۳؛ از میان بندگان خدا

تنها علما از او می‌ترسند، خداوند عزیز و غفور است. قال الامام الصادق علیه السلام: «قَالَ

۱. همان، ص ۱۲۶

۲. محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، حکیمی، ترجمه الحیاه، (مترجم: احمد آرام)، ج ۲، چاپ نهم، قم.

انتشارات دلیل ما، ۱۳۷۸، ص ۴۲۷

۳. فاطر (۳۵) آیه ۲۸

لَقَمَانُ لِابْنِهِ: وَلِلْعَالَمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمُ بِاللَّهِ، وَبِمَا يُحِبُّ، وَبِمَا يَكْرَهُ؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لقمان به پسرش گفت: عالم را سه نشانه است. علم داشتن به خدا و به آنچه خدا دوست دارد و به آنچه از آن بیزار است».^۱

طلب علم برای خدا و نشانه‌ها و آثار آن

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر که علم را برای رضای خدا طلب کند، به هیچ بابی از آن دست نیابد مگر آن‌که به سبب آن، در نفس خود، دارای فروتنی افزون‌تر می‌شود و در میان مردم بیشتر به تواضع می‌پردازد و ترس از خدا افزایش پیدا می‌کند و کوشش او در کار دین بیشتر می‌شود^۲ و این‌گونه کس، همان است که از علم سود می‌برد و باید آن را بیاموزد...».^۳

تأمل و خلوت‌گزینی و به تفکر پرداختن

امام صادق علیه السلام فرمودند: «طالبان علم بر سه گونه‌اند، پس آنان را از روی صفاتشان بشناس: دسته‌ای آن را برای جهل ورزیدن و به منازعه برخاستن می‌خواهند و دسته‌ای برای بزرگی فروشی و فریب دادن دیگران و دسته‌ای برای فهمیدن و تعقل کردن و خرد خود را به کار انداختن. دسته اول، مردمی موزی‌اند و جدال‌گر و همواره درصدد سخن گفتن در محافل، در اوصاف علم و بردباری... اینان لباس خشوع بر تن پوشیده و از ورع و تقوا خود را برهنه ساخته‌اند؛ خدا، بینی این‌چنین کسانی را خرد کند و نفسشان را ببرد. دسته دوم،

۱. محمد بن علی، ابن بابویه، الخصال الممدوحه و المذمومه، چاپ سوم، قم، نشر پیام علمدار، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴

۲. محمد حسین طباطبایی، سنن النبی، تهران، پیام آزادی، ص ۷۳.

۳. محمد بن حسن، فتال نیشابوری، روضه الواعظین، چاپ اول، تهران، نشرنی، ۱۳۶۶، ص ۱۱

چاپلوسانی هستند تملق پیشه که بر هم‌پایگان خود بزرگی می‌فروشند و در برابر ثروتمندانی که از آنان فرو پایه‌ترند سر تواضع فرود می‌آورند؛ خواستار حل‌وای ایشان‌اند و نابودکننده دین خود؛ خدا نام اینان را محو کند و اثر آنان از جاودانگی آثار علما بی‌بهره گرداند. دسته سوم، گروهی‌اند اندوهگین و نگران و شب‌زنده‌دار که جامه عبادت به تن کرده و در تاریکی شب برای عبادت پروردگار خویش به پا ایستاده‌اند؛ عمل می‌کنند و می‌ترسند و دعا می‌کنند و بیمناک‌اند و به کار خود رو می‌کنند و مردم زمان خویش را می‌شناسند و از نزدیک‌ترین برادران خویش وحشت دارند؛ خدا پایه‌های کار چنین کسانی را استوار سازد و روز قیامت به آنان ایمنی بخشاید.^۱

تأثیر متقابل علم و قلب در یکدیگر

حضرت عیسی علیه السلام فرمودند: «از روی حقیقت این سخن را به شما می‌گویم: کشت در دشت می‌روید نه بر روی سنگ؛ حکمت نیز چنین است و در قلب متواضع شکوفان می‌شود نه در قلب متکبر جبار. آیا نمی‌دانید که هر کس سرش را به سقف بالا برد زخمناک می‌شود و هر کس سرش را از سقف پایین آورد در سایه‌ی آن قرار می‌گیرد و سرپناه می‌یابد؛ و چنین است کسی که در برابر خدا سر فرود نیاورد که خدا سرش را پایین خواهد آورد و هر که برای خدا تواضع کند خدا او را سربلند خواهد ساخت. چنان نیست که غسل در همه حال در مشک‌ها نیکو بماند، به همین‌گونه دل‌ها نیز چنان نیست که حکمت در آن‌ها شکوفان شود، اگر مشک پاره یا خشکیده یا بوی ناک نشده باشد، ممکن است ظرف شایسته‌ای برای غسل باشد؛

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۱، چاپ دهم، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۷، ص ۴۹

به همین گونه است قلب‌ها که تا آن زمان که با شهوات دنیا پاره نشده و آزمندی سبب پلیدی آن‌ها را فراهم نیاورده و خوشی و خوش‌گذرانی آن‌ها را سخت و سنگین نکرده باشد، امکان آن هست که همچون ظرفی برای حکمت باشد.^۱

اخلاص در علم و عمل

قال الامام الصادق عليه السلام: «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِّلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيماً فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِّلَّهِ وَ عَمِلَ لِّلَّهِ وَ عَلَّمَ لِّلَّهِ»؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: «هرکس علم بیاموزد و به آن عمل کند و برای خدا آن را به دیگران تعلیم دهد، در ملکوت آسمان‌ها او را عظیم می‌خوانند و می‌گویند: برای خدا آموخت برای خدا عمل کرد و برای خدا به دیگران تعلیم داد».

حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمته الله، استاد حضرت امام خمینی است، روزی به مجلسی جهت روضه می‌رفتند در بین راه با خود گفتند این همه مجلس روضه وجود دارد چرا به جاهای دیگر نمی‌روی؟ آن‌قدر ایستادند و فکر کردند تا علت رفتن را پیدا کردند و متوجه شدند این مجلس برای او صد در صد خدایی نیست لذا برگشتند. امام صادق عليه السلام فرمودند: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»^۲؛ عمل خالص آن است که نخواهی جز خداوند تو را به خاطر آن عمل تشویق کند و سپاس‌گزاری کند.

۱. حسین بن شعبه، حرانی، تحف العقول، چاپ اول، قم، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۶۰۵.

۲. محمد بن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۵.

۳. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، چاپ اول، قم، انتشارات نوروحی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰.



ورع و خودداری

قال الامام علی علیه السلام: «مِنَ الْمُفْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ وَ أَنْ يَبْذُلَ عِلْمَهُ لِطَالِبِهِ»؛ بر هر عالمی واجب است که با ورع جانب خود را نگاه دارد و علم خود را در اختیار طالب علم قرار دهد.

چیره شدن بر هوی و دوری گزیدن از مخاصمه و جدال گری

قال النبی صلی الله علیه و آله: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحَقَّقًا»؛ حقیقت ایمان در نزد بنده هنگامی به کمال می‌رسد که از خصومت و نزاع، هرچند حق با او باشد، دست بکشد.

دیدار ایشان آدمی را به یاد خدا می‌اندازد

از امام صادق علیه السلام منقول است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: یا روح‌الله! با چه کسی بنشینیم و معاشرت کنیم؟ فرمودند: با کسی که دیدار او شمارا به یاد خدا اندازد و سخن او بر دانش شما بیفزاید و عمل او شمارا به آخرت متمایل سازد».^۳

۲. علمای فاسد و برخی از ویژگی‌های ایشان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (بدانید که) بسیاری از

۱. عبدالواحد، تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، چاپ ششم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۰۵

۲. عباس، قمی، سفینه البحار، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، دارالاسوه للطباعة والنشر، ۱۴۱۶هـ ق، ص ۵۳۲

۳. محمد بن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۹

علمای دینی جهود و ترسا مال‌های مردم را به باطل می‌خورند و (مردمان را) از راه خدا باز می‌دارند...^۱

«وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ هرآینه گروهی از ایشان کتاب (تورات) را دگرگونه معنا می‌کنند تا شما آن معانی را از تورات بدانید در صورتی که از تورات نیست و می‌گویند که از جانب خدا است و بر خدا دروغ می‌بندند و می‌دانند (که چه می‌کنند).^۲

دوستی دنیا و شیفته آن شدن

علاقه نشان دادن به چیزی باعث می‌شود که انسان به‌سوی آن گرایش داشته باشد و به‌مرور عاشق و دل‌باخته آن شود، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هرکس عاشق و شیفته چیزی شود، آن چیز دیده‌اش را کور و دلش را بیمار گرداند، چنین کسی با چشم ناسالم نگاه می‌کند و با گوشی ناشنوا می‌شنود، شهوت‌ها عقل او را ازهم‌گسیخته و دنیا دلش را میرانده است».^۳

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا»؛ فقیهان امینان پیامبران‌اند به شرط آن‌که وارد در دنیا نشوند.

۱. توبه (۹) آیه ۳۴

۲. آل عمران (۳) آیه ۷۸

۳. محمد، دشتی، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر مشعل هدایت، ۱۳۹۰، خطبه ۱۰۸

۴. محمد باقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۶



دنیاخواهی و دنیادوستی، در شأن عالمان دینی نیست، زیرا مؤسس دین که خدا و بعد از خدا اهل بیت علیهم‌السلام هستند چنین نبودند، حتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از شدت گرسنگی، سنگی را به وسیله شال به شکم می‌بستند تا فشار گرسنگی کمتر بر آن حضرت اثر کند^۱ و یا حضرت علی علیه‌السلام با دست مبارکش کفش خود را وصله می‌کردند.^۲

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمودند: «ای هشام! خدای متعال به داوود علیه‌السلام چنین وحی کرد: به بندگان من بگو که میان من و خودشان عالمی را قرار ندهند که دلباخته و فریب‌خورده دنیا است، زیرا که چنین عالمی آنان را از یاد من و از راه دوستی من و مناجات کردن با من دور می‌سازد، این‌گونه عالمان، راهزنان بندگان من هستند و کمترین کاری که با ایشان می‌کنم آن است که شیرینی محبت و مناجات با خودم را از دل‌های ایشان دور می‌کنم».^۳

زندگی کردن از بیت‌المال و به وظیفه عمل نکردن

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «عیسی بن مریم علیه‌السلام به یاران خود گفتند: ... وای بر شما علمای بد! مزد می‌گیرید و کار نمی‌کنید. نزدیک است که صاحب‌کار از شما خواستار کارش شود و شما نزدیک آنید که از دنیا بیرون روید و وارد تاریکی گور شوید».^۴

نان خوردن به نام دین

قال الامام السجاد علیه‌السلام: «أَيَّاكَ أَنْ تَتَرَأَسَ بِنَا فَيَضَعَكَ اللَّهُ وَأَيَّاكَ أَنْ تَسْتَاكِلَ بِنَافِيزِ يَدِكَ اللَّهُ فَقَرَا»^۵؛ بهره‌یز از این‌که به نام ما (طرفداری از ما) به سروری بررسی که

۱. محمد حسین طباطبایی، سنن النبی، تهران، پیام آزادی، ص ۷۳.

۲. همان.

۳. حسین بن شعبه، حرانی، همان کتاب، ص ۲۹۳.

۴. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۰۹.

۵. محمد بن عمر بن عبدالعزیز، کشی، رجال الکشی، چاپ اول، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵.

خدا تو را پست خواهد کرد؛ و بیرهیز از آن‌که ما را وسیله نان خوردن خود، سازی که خدا فقرت خواهد افزود.

پارسایی دروغین

پیامبر ﷺ فرمودند: «وای بر کسانی که دین را وسیله دست یافتن به دنیا قرار می‌دهند، گرگانی در لباس میش‌اند که با نرم‌زبانی مردم را می‌فریبند، سخنان ایشان شیرین‌تر از عسل است و دل‌هایی چون دل گرگ دارند. خدای متعال می‌گوید: آیا از من غافل شده‌اند یا بر من گستاخی می‌کنند؟ به عزت و جلال خودم سوگند که در میان ایشان فتنه‌ای پدید خواهم آورد که بردبارشان را حیران کند».^۱

امام علی علیه السلام فرمودند: «... برخی از مردم، از ضعف نفس و بیچارگی، دست از قدرت خواهی کشیده‌اند و روزگار، آنان را به پذیرفتن وضعیتی که دارند ناگزیر ساخته است و آنان همین را به نام قناعت جلوه‌گر ساخته‌اند و همین لباس زهد و پارسایی بر اندام خویش آراسته‌اند، در صورتی که هیچ‌گونه پیوندی با قناعت و پارسایی ندارند».^۲

ریاست‌طلبی و دوستی نام و ستایش

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مردمان بر چهار گونه‌اند: نادانی فروافتاده و دست در گریبان هوای نفس، عابدی نیرو دار که هر چه عبادتش افزون شود تکبر او فزونی پیدا می‌کند، عالمی که خواستار راه رفتن مردمان در پشت سرخود و

۱. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۷۷، ص ۱۷۳

۲. همان، ج ۷۸، ص ۵

همچنین دوست دار ستایش مردم است و چهارم آنان که راه حق را می‌شناسد و پیروی حق را دوست می‌دارد که البته او ناتوان و مغلوب است و چنین کسی کامل‌ترین اهل زمان تو است و عاقل‌ترین مردم.^۱

مردمان را با ظاهری آراسته فریفتن

امام علی علیه السلام - از جمله وصیت‌های او به فرزندش امام حسن علیه السلام - فرمودند: «پسر! چگونه حالی خواهی داشت چون در میان گروهی قرارگیری... که عالم ایشان فریبنده و ظاهر آراست و هوای نفس بر او چیرگی دارد و سخت به دنیا چسبیده است و آن‌کس از آنان که بیشتر رو به تو می‌کند، برای غائله آفرینی در کمین تو نشسته است و پیوسته خواهد که حيله‌ای سازد و در طلب دنیا سخت می‌کوشد...»^۲

شهرت یافتن به علم نه عمل

قال العیسیٰ المسیح علیه السلام: «أَشَقَى النَّاسِ مَنْ هُوَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ جَهْلُوهُ بِعَمَلِهِ»^۳؛ بدبخت‌ترین شخص کسی است که در نزد مردم به علم شناخته شده باشد، بی‌آنکه عملی داشته باشد.

عالمان فاسد بدترین خلق خدایند. از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند که بدترین آفریدگان خدا پس از ابلیس و فرعون و... کیان‌اند؟ فرمودند: «علما در صورتی که فاسد باشند».^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰

۲. همان، ج ۷۷، ص ۲۳۴

۳. عبدالرزاق بن محمد بن هاشم، گیلانی، مصباح الشریعه، چاپ چهارم، قم، نشر پیام حق، ۱۳۸۷، ص ۳۶۸

۴. محمد باقر مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۸۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «روزگاری بر امت من خواهد آمد که از قرآن جز رسم (خط و چاپ) آن و از اسلام اسم آن باقی نماند؛ مسلمان خوانده می شوند؛ بالاینکه دورترین مردم از اسلام اند، مساجدشان آباد ولی از هدایت تهی است؛ فقیهان آن زمان بدترین فقیهان اند در زیر آسمان، فتنه از ایشان برمی خیزد و به ایشان بازمی گردد».^۱

۳. ارزش عالم به عمل اوست

عالم بی عمل از خدا دورتر می شود

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «در انجیل نوشته شده است: تا وقتی که به آنچه آموخته اید عمل نکرده اید، آنچه را نمی دانید بیاموزید، زیرا که چون به علم عمل نشود، بر کفر دارنده خود می افزاید و دوری او را از خدا افزون می کند».^۲

عالم بی عمل در چشم مردم خوار است

امام علی علیه السلام می فرمایند: «اگر حاملان علم آن را آنچنان که شایسته است حمل کنند، خدا و فرشتگان و مردم دین پیشه آنان را دوست خواهند داشت، ولی آنان علم را به خاطر دنیاطلبی به دست آوردند، به همین جهت خدا بر ایشان خشمگین است و در نظر مردمان خوار و بی مقدارند».^۳

۱. همان، ص ۱۰۹

۲. محمد بن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۱، صص ۴۴-۴۵

۳. محمدباقر مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۷



عذاب و پشیمانی عالم بی عمل از همه سخت‌تر است

امام صادق علیه السلام فرمودند: «آن‌که عذابش از همه‌ی مردم شدیدتر است، عالمی است که از علم خود به‌هیچ‌روی بهره‌ای نبرده است».^۱

عالم بی عمل نادان است

قال الامام علی علیه السلام: «كَفَى بِالْعَالِمِ جَهْلًا أَنْ يُنَافِيَ عِلْمُهُ عَمَلُهُ»^۲؛ همین مایه جهل برای عالمی بس است که علم او مخالف عملش باشد.

عالم بی عمل و تأثیر بد او

امام علی علیه السلام: «مردمان بیشتر بدان جهت از طلب علم دامن فرو می‌چینند که می‌بینند عالمان کمتر به علم خود عمل می‌کنند».^۳

در تبلیغ عمل دچار شکست می‌شود

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ای اباذر! مثل کسی که بدون عمل مردمان را به کاری دعوت می‌کند، همچون کسی است که بدون بستن زه به کمان تیراندازی کند».^۴

مثل عالمی که به علم خود عمل نمی‌کند

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»^۵؛ مثل کسانی که تورات بر آنان بارشده (علم دین به آنان داده‌شده) و به آن عمل نمی‌کنند، مثل خری است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند...

۱. همان

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۲۴۳

۳. همان، ص ۱۳۴

۴. رضی الدین، طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ دوم، قم، نشر صبح پیروزی، ۱۳۹۰، ص ۵۴۸

۵. جمعه (۶۲) آیه ۵

پیامبر ﷺ فرمودند: «نزد هر گوینده‌ی ادعا دار که شمارا از یقین به شک و از اخلاص به ریا و از فروتنی به گردن افرازی و از نیک‌خواهی به دشمنی و از پارسایی به دنیا جویی، می‌خواند منشینید. به عالمی نزدیک شوید که شمارا از گردن‌افرازی به فروتنی و از ریا به اخلاص و از شک به یقین، از دنیا جویی به پارسایی و از دشمنی به نیک‌خواهی دعوت می‌کند. برای پند دادن به مردمان جز کسی شایسته نیست که از سر صدق، از این آفت‌ها در هراس باشد و عیب‌های سخن را بازشناسد و درست را از نادرست تمیز دهد و از موجبات وسوسه‌ها و گرفتاری‌های نفس و هوای آن (و راه معالجه‌ی آنها) آگاه باشد».^۱

پس طلبه‌ای که در حوزه چند سال درس بخواند و از شهریه‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استفاده کند، ولی به علم خود عمل نکند نه تنها خود سودی نمی‌برد و نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند، بلکه مایه گمراهی و ضلالت مردم خواهد بود و این‌گونه طلاب طبق فرموده امام علی علیه السلام به مانند آن است که پشت ائمه اطهار را می‌شکنند.^۲ مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «دو گروه پشت مرا شکستند (یکی) عالم پرده‌در بی‌حیا، (دیگری) عابد نادان، زیرا عابد نادان با عبادت خود مردم را فریب می‌دهد و عالم با تبه‌کاری و خلاف‌کاری‌های خود، آنان را (از دین اسلام) فرار می‌دهد».^۳ از این کلام امام دانسته می‌شود طلبه‌ای که به علم خود عمل نکند، به اسلام ضربه می‌زند زیرا وقتی افرادی که این علوم را ندارند و ببینند که علما به علمشان عمل

۱. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۵۲

۲. شاکر، برخوردار فرید، آفات الطلاب، چاپ پنجم، تهران، موسسه انتشاراتی لاهوت، ۱۳۹۱، صص ۳۸-۳۹

۳. محمد بن علی، ابن بابویه، همان کتاب، ص ۶۹

نمی‌کنند، آن‌ها هم به دنبال عمل نخواهند رفت.^۱ همانا وقتی که عالم به علمش عمل نکند، (باید بداند که) موعظه‌اش در دل‌های شنوندگان بلغزد و (اثر نکند) همان‌گونه که باران بر سنگ صاف می‌لغزد (و نفوذ نمی‌کند).^۲

پس ای نفس! طاعت و بندگی بدون ایمان بالا نمی‌رود و علم بدون عمل نفع نمی‌بخشد و مثل آن، مثل مریضی است که بیماری‌اش سخت و بهبودی‌اش قلیل گشته، پس طبیبی حاذق او را به دوائی نیکو که ترکیبات و مقادیر و شروط آن را معین نموده راهنمایی کرده و مریض آن را با خطی نیکو نوشته و با قرائتی صحیح خوانده است، الا این‌که در تهیه‌ی آن کوتاهی نموده و شرب و استعمال آن را آغاز ننموده است. پس آیا گمان می‌کنی علم مریض به دواء خود، بیماری‌اشدیش را درمان خواهد کرد؟ هرگز! اگر این نسخه را هزار بار در کاغذ بنویسد و به همه‌ی مردمان تعلیم دهد برای مرض خود سودی نخواهد داشت و به مقصودش نخواهد رسید، مگر این‌که دارو را تهیه کند و قبل آن پرهیز نماید، سپس دواء را بعد از مخلوط نمودن مقادیر مشخص، در وقت خود مصرف نماید.^۳

بنابراین طلاب چه صالح باشند و چه فاسد، برای این‌که عالم بی‌عمل نباشند باید با نفس خویش به مبارزه پردازند و مهارت‌های لازم را یاد بگیرند.

۱. شاکر، برخوردار فرید، همان کتاب، ص ۴۰

۲. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۹

۳. سید بن طاووس، ابراهیم علی‌العالی الکفعمی، محاسبه‌النفس، (مترجم: علی احمدی)، چاپ اول، تهران،

انتشارات اشکذر، ۱۳۸۷، ص ۵۸